



سینمای کودک و نوجوان؛ امیدها و نگرانیها

سلامی و کلامی: سینمای کودک و نوجوان بر کدامین پله ایستاده است؟ این سینما، در ایران چه جایگاهی دارد؟ نقاط ضعف و قوت آن چیست؟ آیا اصلاً سینمایی به این اسم (کودک و نوجوان) داریم؟ اگر داریم، چقدر توانسته است با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار کند و تا چه مقدار توانسته است مسایل کودکان و نوجوانان را به تصویر بکشد؟ موانع موجود بر سر راه پیشرفت سینمای کودک و نوجوان چیست؟ سینمای کودک و نوجوان در دیگر کشورها چگونه است؟ آنها در چه مرحله ای اند...

سوالاتی از این دست، درباره ی سینمای کودک و نوجوان بسیارند... ما برآئیم که با طرح سلسله مباحثی در این زمینه، به ویژه درج گفت وگوهای با دست اندرکاران مسایل کودکان و نوجوانان و هنرمندان ایرانی و خارجی که در این زمینه کار کرده اند، سینمای کودک و نوجوان را تعریف و تبیین کنیم. از این پس، به حول و قوه ی الهی، هر شماره یا هر چند شماره سلسله مباحث و گفت وگوهای رایا افراد مختلف اعم از نویسندگان، کارگردانان و فیلمنامه نویسان داخلی و خارجی در باب سینمای کودک و نوجوان تقدیمتان می داریم. یا این امید که بتوانیم در جهت شکوفایی هر چه بیشتر سینمای کودک و نوجوان قدمی برداریم.

در نخستین گفت وگو آقای مصطفی رحماندوست، شاعر، مترجم و نویسنده ی کودکان و نوجوانان - که عضو هیأت داوران جشنواره ی بین المللی فیلمهای کودکان و نوجوانان اصفهان نیز بوده است... میهمان ما یند.

مصطفی رحماندوست:

بچه ها را به رسمیت نشناخته ایم

انتخاب کنیم. مبنای علمی ندارد.

□ شما این مهم را برای ایران چطور تقسیم بندی می کنید؟

□ با کمی اغماض باید تا مثلاً گروه سنی ۲ سال را یک گروه، ۳ تا زیر دبستان را یک گروه، زیر دبستان و اوایل دبستان را یک گروه، سالهای اول دبستان را یک گروه، سالهای آخر دبستان را یک گروه «کودک» و دوره ی راهنمایی را دوره ی «نوجوان» در نظر بگیریم.

□ و دبیرستان؟

□ دبیرستان دیگر جزو حیطه ی کودک و نوجوان نیست. و چون به تعبیر فرنگیها Teenager تغییر می شود، ما هم نقداً اسمی برایش نداریم ولی می توانم بگویم که گروه جوان نیست و من خودم هم هیچ موقع مسئولیتی درباره آنها حس نمی کردم. نه به دلیل بی توجهی به آنها، بلکه به این خاطر که معتقد به کار تخصصی ام.

□ آیا ما، در ایران سینمای کودک و نوجوان داریم؟ اگر داریم چه ویژگیها و معیارهایی دارد؟

□ چیزی به نام سینمای کودک و نوجوان داریم؛ چرا که هر سال تعدادی فیلم برای بچه ها ساخته می شوند. ولی اعتقاد من این است که حالا درباره ی معیارها حرف نزنیم. چرا که کاملاً در آغاز راهیم. من حتی به نقد کارها اعتراض ندارم. اگر نقدها، کوبنده باشند، حس می کنم که تأثیر منفی اشان در روند سینمای کودک، بیشتر از تأثیر مثبت آنها باشد. چرا که

«مصطفی رحماندوست» برای کودکان و نوجوانان ایران، چهره ای آشناست. او هم اکنون یکی از دو سردبیر مجله ی سروش کودکان است و مثل سالهای قبل، پرچمپ و جوش و فعال مشغول سرودن و نوشتن برای بچه ها.

او دو مجموعه ی شعر «موسیقی باد» و «دوپر، دوپر، چهارپر» را زیر چاپ دارد و مجموعه ی قصه ای به نام «بچه ها و پیامبر» نوشته است. علاوه بر اینها، مشغول ترجمه ی قرآن مجید برای نوجوانان است و سرپرستی تهیه ی یک لغتنامه ویژه ی نوجوانان را نیز برعهده دارد. رحماندوست می گوید: «در حال نوشتن کتابی به نام چارچوب شعر کودکم که دو جوب آن را نوشته ام».

□ آیا گروه سنی کودکان و نوجوانان را می توانیم مشخصاً تعیین کنیم و برایش مرزهای خاصی در نظر بگیریم؟

□ این تقسیم بندی قراردادی است. چون هم در اثر مسایل اقلیمی و جغرافیایی و هم در اثر مسایل نژادی و فرهنگی تفاوت ایجاد می شود. اما از تقسیم بندی ناگزیریم. برای این که مشخص شود کتابها آثار برای چه گروه سنی ساخته می شوند. این گروه سنی خردسال و نوآموز و کودک و نوجوان یک قرارداد است ولی مسلماً در داخل ایران هم یک کودک ۱۱، ۱۲ یا ۱۳ ساله در یک جا ممکن است جزو گروه سنی نوجوان قرار بگیرد و یا در جای دیگر جزو گروه سنی کودک. اما چاره ای نیست که به اکثریت توجه کنیم و

در مسیر تجربه، «کوبیدن» معنا ندارد؛ مگر این که کسی ادعا کند: «من راه را یافته‌ام»؛ که او را «نقد» باید کرد

این که داریم برای کودکان و نوجوانان کار می‌کنیم، از اصول هنری چشم‌پوشیم. تدوین، فیلمنامه‌نویسی و ... همین است که هست، اما همه‌ی اینها، توجیه نمی‌کند که چون برای بچه‌ها می‌نویسیم، از این ملاکها کوتاه بیاییم. برای فیلمهای کودکان و نوجوانان تنها دو ملاک را پیشنهاد می‌کنم: یکی این که دنیای خیال بی‌کران کودکان و نوجوانان به رسمیت شناخته شود و دیگر این که محدودیتهای تجربه‌ای آنها به رسمیت شناخته شود. یکی کلام محدود است و دیگری اطلاعات پایه‌ای بچه‌ها، اینها اطلاعاتی اند که عمر به انسان می‌دهد.

□ فرق فیلم درباره‌ی کودک و برای کودک چیست؟

■ همان طور که قبلاً مقداری اشاره کردم، فیلمی که کودک را مخاطب قرار بدهد، مسایل او را بگوید، سعی کند او را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر ببرد؛ فیلم کودکان است. اما فیلمی که سعی کند دنیای کودکان را به بزرگترها نشان بدهد، پیچیدگیهای خیالی، ذهنی و عاطفی او را به بزرگترها نشان بدهد، یا فیلمی که مقداری جنبه‌ی نوستالوژیک داشته باشد، درباره‌ی کودکان است. در زمینه‌ی ادبیات، این قضیه خودش را خیلی زودتر بروز می‌دهد. ولی در زمینه‌ی فیلم، یک مقدار مشکل بروز می‌کند ...

□ بعضیها باور دارند که روند سینمای کودک و نوجوان ایران،

روندی ناامیدکننده است؛ نظر شما چیست؟

■ نمی‌توان بلافاصله با یک سال تغییر گفت که روند سینمای کودک و نوجوان ایران ناامیدکننده است.

□ نسبت به ده سال قبل هم نمی‌توان قضاوت کرد؟

■ اگر بخواهیم نسبت به سالهای قبل قضاوت کنیم، باید بگوییم خوب بوده؛ ما پیشرفت را حس می‌کنیم. سال به سال فیلمهای بهتری داشته‌ایم.

□ نظرتان درباره‌ی داوری کودکان و نوجوانان در جشنواره‌ها چیست؟

■ بچه‌ها رأی کلی وحسی می‌دهند، چون بچه‌ها

از یک سو به بلوغ فکری نرسیده‌اند و از سوی دیگر تجربه‌هایشان به مرحله‌ای نرسیده‌اند که بتوانند اظهار نظر بکنند. رأی آنها وحسی است، من بر این باورم که باید عوامل تأثیرگذار بر روی بچه‌ها را کم بکنیم. مثلاً اگر هنرپیشه‌ای قبل از نمایش فیلمش با بچه‌های داور ارتباط برقرار کند، مسلماً این در رأی داور نوجوان و کودک تأثیر می‌گذارد.

■ عباس نادری

همه دارند تجربه می‌کنند و در مسیر تجربه، کوبیدن معنا ندارد. مگر این که کسی ادعا کند که من راه را یافته‌ام و به آن چیزی که می‌خواهم، رسیده‌ام - در آن صورت او را نقد باید کرد. به همین دلیل من الان خیلی نمی‌توانم روی ملاکها صحبت کنم. این ملاکهایی را که می‌گویم خیلی کلی‌اند:

۱- کودک و نوجوان را جذب کند. اما در عین حال برایش ارزش افزوده داشته باشد.

۲- مبتذل و پیش‌پا افتاده - که خواه ناخواه یکی از عوامل جذب کودکان و نوجوانان می‌تواند باشد - نباشد. بلکه فرهنگ‌ساز باشد و ...

□ به نظر شما، بزرگترین مشکل کودکان و نوجوانان ایران و به طور کلی جهان، چیست؟

■ به نظر من، در تمام جهان مشکل کودکان و نوجوانان این است که آن گونه که هستند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند. و این مشکلی است که، مال خود بچه‌ها نیست؛ بلکه بزرگترها به آنها تحمیل کرده‌اند و باید بزرگترها را تربیت کرد.

□ یعنی می‌خواهید بگویید که بچه‌ها جایگاهی خاص ندارند؟

■ نه! به رسمیت شناخته نمی‌شوند. البته برای شناخت کودک کار زیادی شده است. کتابهای روانشناسی کودک کتابهایی‌اند که برای شناخت کودک اطلاعاتی به دست می‌دهند، اما آگاهی داشتن، با این که این آگاهی را عملاً به کار ببریم، دو تاست. به رسمیت شناختن این است که ما این آگاهی را به کار ببریم. وقتی من با یک نفر برخورد می‌کنم که زبانش با زبان من متفاوت است، وقتی با زبان او صحبت می‌کنم، او را به رسمیت می‌شناسم. اما وقتی که می‌دانم زبانش چیز دیگری است ولی باز با زبان خودم صحبت می‌کنم، فقط شناخت دارم. این درد تنهایی کودک، دردی است که همیشه بوده و هست. حس می‌کنم که بچه‌ها را به رسمیت نشناخته‌ایم.

□ سینما چه کمکی می‌تواند به حل این مشکل بکند؟

■ شاید ساخت فیلمهایی درباره‌ی کودک و بازکردن پنجره‌هایی به سوی والدین و بزرگترها، برای نزدیکی به دنیای کودک، کمک زیادی برای به رسمیت شناختن بچه‌ها توسط بزرگترها بکند.

□ ویژگیهای یک فیلم کودک و نوجوان چیست؟

■ ببینید! نه تنها فیلمهای کودک و نوجوان، بلکه هراتر هنری کودک و نوجوان با بزرگسال فرقی نمی‌کند؛ چرا که هنر، هنر است. اما مخاطبهای متفاوت یک سری ویژگیهای متفاوت را به دنبال دارند. ما نمی‌توانیم به دلیل

